

سناریوهای پیش‌روی آینده محور مقاومت بر اساس عدم قطعیت‌های بحرانی

زاهد غفاری هاشجین^{۱*}

زهره محمدی^۲

ایوب نیکونهاد^۳

چکیده

هدف: پیروزی انقلاب اسلامی ایران علاوه بر آن که نظم سلسله مراتبی و تبعیض‌گونه بین‌المللی را به چالش کشیده توانسته سبب طرح مفاهیم جدیدی در نظام بین‌الملل و تغییرات درون مجموعه نظم‌های منطقه‌ای شود که شکل‌گیری اندیشه محور مقاومت و ادبیات مربوط به آن یکی از این مفاهیم است. با درک ضرورت و اهمیت جایگاه محور مقاومت در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و تأثیرگذاری آن در تحولات منطقه غرب آسیا و جهان اسلام و به جهت جلوگیری از غافلگیری در آینده به سناریوهای پیش‌روی محور مقاومت پرداخته شده است. **روش‌شناسی پژوهش:** پژوهش پیش‌روی با رویکرد سناریونویسی بر اساس عدم قطعیت‌های بحرانی و بهره‌گیری از مصاحبه خبرگانی در پی دستیابی به سناریوهای پیش‌روی آینده محور مقاومت خواهد بود. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تکیه بر عدم قطعیت‌های شناسایی شده می‌توان سناریوهای نظم منطقه‌ای مقاومت محور، بازبایی و تداوم مقاومت، مقاومت منفعت‌گرا- مصلحت‌طلب و سناریوی اضمحلال را برای آینده محور مقاومت متصور بود. **نتیجه‌گیری:** اساس و زیربنای شکل‌گیری محور مقاومت در مرحله اول، گفت‌وگو آن است و گفت‌وگو مقاومت قبل از شکل‌گیری عملیاتی و جغرافیایی آن متولد شده است. تداوم نقش‌آفرینی فعالانه این محور در معادلات منطقه‌ای و جهانی نیازمند تعالی‌بخشی گفت‌وگویی و اتخاذ راهبردهای عقلانی است که لازم است در دستور کار این جبهه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: محور مقاومت اسلامی، انقلاب اسلامی، سناریونویسی، عدم قطعیت‌های بحرانی.

Email: Z_ghafari@yahoo.com

۱- استاد علوم سیاسی دانشگاه شاهد تهران، ایران (نویسنده
مسئول)،

Email: Zohreh_mohammadi_1389@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی
دانشگاه شاهد، ایران

Email: anikunahad@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی
دانشگاه شاهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

مقدمه

منطقه غرب آسیا در بیش از یک قرن اخیر یکی از کانون‌های بحران سیاست جهانی بوده و منازعات داخلی و بین‌المللی که در این منطقه شکل گرفته و در حال حاضر نیز تداوم دارد، بر سرنوشت تمامی دولت‌ها و ملت‌های این منطقه تأثیر جدی بر جای گذاشته است. جمهوری اسلامی ایران نیز در جهت حفظ منافع ملی و مصالح اسلامی بر مبنای قرابت‌های فرهنگی و تکلیف دینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در خصوص منطقه غرب آسیا و حتی فراتر از آن در صحنه نظام بین‌الملل به طراحی سیاست و استراتژی فرهنگی خاص خود دست زده است. پیگیری این استراتژی در ابتدای انقلاب اسلامی بیشتر ناظر بر عمل به رسالت دینی و انقلابی مبنی بر حمایت از ملت‌های مسلمان و جریان‌های آزادی‌بخش تعریف می‌شد، اما در دهه‌های اخیر به‌ویژه پس از اشغال عراق و افغانستان توسط آمریکا، وقوع بیداری اسلامی، شکل‌گیری گروه‌های تروریستی وهابی- تکفیری، تهدید آمریکا و اسرائیل و نظام ائتلاف‌سازی کشورهای رقیب منطقه‌ای نظیر عربستان سعودی، علاوه بر پیگیری این استراتژی در میان ملت‌ها به‌صورت گفتمانی، به سمت تلاش جهت شکل‌گیری شبکه‌ای از نیروهای عملیاتی همسو با منافع ایران در غرب آسیا سوق داده شده که توانسته است به بازتعریف قواعد زمین بازی برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در این منطقه آشوبناک دست بزند. نمود عینی این شبکه گفتمانی و عملیاتی امروزه در ادبیات منطقه‌ای و بین‌المللی به نام محور مقاومت شناخته می‌شود، که مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی و حتی ملت‌ها را نیز در برمی‌گیرد. گرچه بازیگران فرامنطقه‌ای و غیرمتجانس از نظر گفتمانی همانند روسیه در بحران‌هایی همانند بحران سوریه در جهت حمایت از منافع جبهه مقاومت وارد عرصه تحولات میدانی شده است، اما این حضور و همراهی بنا به ملاحظات استراتژیک این کشور و در رقابت با نظم انحصار طلبانه بین‌المللی موجود است. با این وجود امروزه محور گفتمانی و عملیاتی مقاومت در میدان نظر و عمل به‌گونه‌ای جایگاه خود را تثبیت کرده که عملاً بخش بزرگی از معادلات و راهکارهای بحران‌های منطقه‌ای به‌شمار می‌رود و ثابت کرده است که بدون خواست و اراده این جبهه تغییری در معادلات نظم منطقه غرب آسیا روی نخواهد داد. بنابر اهمیت کنشگری جبهه مقاومت در صحنه پرچالش منطقه‌ای و همچنین تحولات فعلی و آینده منطقه غرب آسیا و به جهت غافلگیری از عدم قطعیت‌های بحرانی شکل‌دهنده به آینده محور مقاومت که بر سرنوشت آن تأثیرگذار است، این پرسش مطرح می‌شود که سناریوهای آینده محور مقاومت بر اساس عدم قطعیت‌های بحرانی کدام است؟ سایر پرسش‌های فرعی این پژوهش را می‌توان این گونه طرح نمود که مختصات گفتمانی محور مقاومت دارای چه مؤلفه‌هایی است؟ روندهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری جبهه عملیاتی محور مقاومت کدام است؟ عدم قطعیت‌های اصلی پیش‌روی محور مقاومت بر اساس نظر خبرگان کدام‌اند؟ چه راهبردهایی را می‌توان برای تعالی گفتمان مقاومت و جلوگیری از غافلگیری‌های احتمالی تجویز کرد؟ برای پاسخگویی به این پرسش‌ها با بهره‌گیری از روش عدم قطعیت‌های بحرانی و با استفاده از ابزارهای روندپژوهی کیفی، مصاحبه و شناسایی عدم قطعیت‌ها به ترسیم سناریوهای آینده پرداخته‌ایم.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی متعددی در سال‌های اخیر در خصوص محور مقاومت، مختصات گفتمانی و ژئوپلیتیکی آن به نگارش درآمده است که از جمله مهم‌ترین موارد آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد.

۱- محمدجواد اخوان و هادی تاجیک (۲۰۲۰) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «بررسی مبانی نظری هسته‌های مقاومت اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی» با بررسی تحلیل محتوای گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه رهبران آن به بررسی مبانی نظری شکل‌گیری هسته‌های مقاومت پرداخته و بر این باورند که تفکیک‌ناپذیری دین از سیاست، جهانشمولی انقلاب اسلامی، ولایت و رهبری، جهاد در راه خدا و شهادت طلبی، مبارزه با استکبار و استضعاف و... مهم‌ترین این اصول و ارزش‌های هسته‌های مقاومت را شکل می‌دهند.

۲- مهدی ناظمی اردکانی و صفرعلی خالدیان (۲۰۱۸) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام» با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ مقاومت اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقاد دینی، هویت ملی و ایدئولوژی اسلام سیاسی مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده، تقویت‌کننده و استمراربخش گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه است.

۳- بهزاد قاسمی (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی» با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان به چگونگی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر شکل‌گیری ژئوپلیتیک محور مقاومت ملهم از اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) پرداخته و بر این باور است که مصادیقی چون اسلام‌خواهی، استکبارستیزی، مردم‌سالاری، بیداری اسلامی و تداوم اندیشه و عمل در نهضت‌ها پرتوی از انقلاب اسلامی ایران هستند که در شکل‌دهی به ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی نیز تأثیرگذار بوده‌اند.

۴- زهره پوستین‌چی و ابراهیم متقی (۲۰۱۳) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل» با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری به هویت‌یابی اسلامی در قالب زبان سیاسی، مقاومت در سیاست بین‌الملل پرداخته و معتقدند که سرمنشاهای محور مقاومت اسلامی را می‌توان در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس مورد توجه قرار داد.

۵- مسعود نادری و هادی تاجیک (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «سناریوهای راهبردی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰ میلادی» بر پایه رویکرد سناریونویسی (روش پیتر شوارتز) به سه سناریو در روابط دو کشور دست یافته که سناریوی پیشروی فزاینده محور مقاومت (سناریوی آشوب‌سازنده) و سناریوی توازن دو جبهه (ایستاده با مشت) را بالاترین احتمال در روابط دو کشور بدون لحاظ کردن پیشران‌های شگفتی‌ساز می‌دانند.

۶- محسن نوروزی و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر محور مقاومت با تأکید بر ناآرامی‌های عراق و لبنان» با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی به تبیین

پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده محور مقاومت پرداخته و یافته‌های آنها نشان می‌دهد که اثرگذاری بالا و همزمان سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا، اثرگذاری بالای گسترش تروریسم و نیز اثرگذاری بالای سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نیز توسعه محور مقاومت مهم‌ترین پیشران‌های شکل‌دهنده بر آینده محور مقاومت محسوب می‌شوند.

وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌هایی که در ارتباط با محور مقاومت به نگارش درآمده است در این است که این پژوهش بر خلاف پژوهش‌هایی که صرفاً به تبیین و توصیف گفتمانی محور مقاومت یا تبیین ژئوپلیتیک عملیاتی آن پرداخته‌اند، محدود نشده است و با بهره‌گیری از رویکرد عدم قطعیت بحرانی (بر مبنای روش کمی آن) به تشریح سناریوهای پیش‌روی آینده محور مقاومت پرداخته است.

چارچوب نظری و ادبیات موضوع

سناریونویسی و عدم قطعیت‌های بحرانی

سهیل عنایت‌الله آینده‌پژوهی را مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها، جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده می‌داند (عنایت‌الله، ۲۰۰۹: ۷). در آینده‌پژوهی ما با یک آینده منفرد مواجهه نیستیم؛ بلکه با طیف متنوعی از آینده‌ها روبه‌رو هستیم که جهت کسب نتایج مثبت و حداکثری باید به صورت هم‌زمان آنها را مد نظر قرار داد.

هر علمی جهت نائل آمدن به نتایج مورد نظر خود، استفاده از برخی اهرم‌ها و ابزارها را در دستور کار قرار می‌دهد. مهم‌ترین ابزارهای آینده‌پژوهی، بهره‌گیری از روش‌های متنوع و چندگانه است. در همین رابطه باید بیان داشت که شاه‌بیت و کانون روش‌های آینده‌پژوهی، سناریونویسی است. سناریوسازی یا سناریو پردازی یکی از شیوه‌های متداول و روش‌های پایه‌ای آینده‌پژوهی است که از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای متنوع، تصاویر باورپذیر و به لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کند. وندل بل بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه‌ی سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند (بل^۱، ۲۰۰۳: ۳۱۷) سناریوهای خوب دارای مشخصه‌هایی هستند: به این صورت که قابل باورند، ارتباط با حوادث گذشته و حال، چالش‌برانگیز بودن، مرتبط بودن با تصمیم‌ها و عدم قطعیت‌های سازمانی و سازگاری درونی و به بیانی عدم تضاد مطالب؛ و مهم‌تر از همه این‌که سناریوی خوب، سناریویی است که پس از به چالش کشیدن تفکر نسبت به آینده، مدیران سازمان را به سمت پرسیدن سؤال درست رهنمون می‌کند (بل^۲، ۲۰۰۳: ۲۴۵)

در زمینه نوشتن سناریوها روش‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد که هرکدام از این رویکردها و روش‌ها دارای گام‌ها و مراحل مختلفی جهت نوشتن سناریو است. یکی از اندیشمندانی که مدل‌های مختلفی را برای سناریونویسی مطرح کرده است پیتر شوارتز^۲ است، ایشان یک مدل یا رویکرد هفت‌گانه‌ای را برای

1. bell

2. peter schwarz

نوشتن یک سناریو مشخص و تدوین کرده است که هر کدام از این رویکردها و مدل‌ها گام‌ها و مراحل مشخص دارند و یکی از آن هفت رویکرد، رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی است. روش‌هایی که در رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی وجود دارد با تهیه یک فهرستی از متغیرها و روندهای مربوط به آینده، سناریونویسی را شروع می‌کنند و سپس این فهرستی که تهیه شده است به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود:

روندها رویدادها و متغیرهایی که روی موضوع مشخص شده مدنظر ما تأثیری قطعی ندارند.

متغیرها و روندهایی که تداوم تأثیرات آنها روی موضوع مدنظر تا حدود زیادی قطعی هست.

روندها و متغیرهایی که تداوم تأثیرات آنها بر روی موضوع مورد نظر ما تا حدود زیادی قطعی است.

متغیرها و روندهایی که تأثیراتی که بر روی موضوع مدنظر ما دارند نامشخص است و با عدم قطعیت بیان می‌شوند (علیزاده و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۰۹).

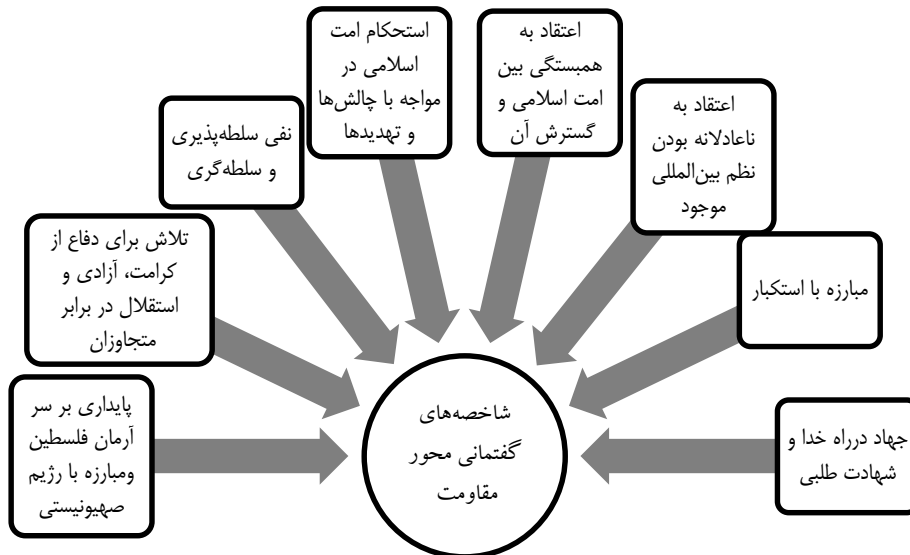
در این رویکرد، روندها و متغیرهای نامشخص و با عدم قطعیت نیز به دو گروه تقسیم‌بندی می‌شوند: روندها و متغیرهایی با تأثیرات بسیار بالا و روندها و متغیرهایی با تأثیرات کم. میزان پیش‌بینی‌ناپذیر بودن تحولات و نتایج آینده را عدم قطعیت می‌گویند (منزوی، ۲۰۱۰: ۱۲۹). در واقع در روش عدم قطعیت، مسئله اصلی آینده‌پژوهی دیگر پیش‌بینی آینده نیست؛ بلکه کسب آمادگی برای آینده‌ها و پیش‌تدبیری جهت شکل دادن به آینده‌های مطلوب است. آینده‌پژوه با شناخت عدم قطعیت‌ها و پیشران‌هایی که این عدم قطعیت‌ها را شکل می‌دهند، سناریوهایی را برای آینده ترسیم می‌کند و به تصمیم‌گیران می‌آموزد که در فضای عدم قطعیت‌ها، سناریوهایی را تدوین نموده و به جای حذف آینده‌های بدیل، آمادگی خود را برای مواجهه با این سناریوها و شکل دادن به آینده‌های مطلوب افزایش دهند (مبینی دهکردی و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵-۹). از آن جایی که رویکرد ترکیبی و بهره‌گیری از روش‌های مناسب در آینده‌پژوهی مناسب‌ترین روش برای دستیابی به نتیجه است و ترسیم سناریوها، به ابزارهایی برای رسیدن به آنها نیاز دارد. در این پژوهش با بهره‌گیری از ابزارهای روندپژوهی کیفی و مصاحبه خبرگان برای به‌دست آوردن عدم قطعیت‌ها و سپس سناریوها استفاده شده است.

گفتمان محور مقاومت

یکی از مهم‌ترین تحولات در عرصه منطقه‌ای خاورمیانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ظهور و شکل‌گیری محور مقاومت است که در مرحله اول از یک زنجیره گفتمانی متصل به هم در میان ملت‌های منطقه فارغ از گرایش‌های مذهبی آنها تشکیل شده و در صحنه عملیاتی این گفتمان در قالب بازیگران رسمی (دولت‌ها) و غیر رسمی (شبه‌نظامی اثرگذار بر قدرت) در کشورهای عراق، سوریه، لبنان، بحرین و ... با مرکزیت ایران و گروه‌های حشدالشعبی عراق، جنبش انصارالله یمن، حماس و جهاد فلسطین، حزب‌الله لبنان و ... به آن شکل می‌بخشند. در خصوص منشاء شکل‌گیری محور مقاومت نگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ یک نگاه این را بیان می‌کند که پس از فروپاشی شوروی و بعد از جنگ سرد خلأ قدرتی در منطقه ایجاد شد که ظهور و ایجاد محور مقاومت اسلامی سرچشمه گرفته از آن خلأ بود. نگاه دوم این را بیان می‌دارد که زمانی که

کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس در تضاد و مقابله با جمهوری اسلامی ایران دست به اتحاد زدند، جمهوری اسلامی ایران هم برای این رویکرد مقابله‌ای به اتحاد با بازیگران غیردولتی دست زد و به تشکیل محور مقاومت اسلامی روی آورد. نگاه سوم هم بیانگر این است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس آرمان‌ها و ایدئولوژی‌های خود و اهدافی که در انقلاب اسلامی وجود دارد، بنا به رویکرد گفتمانی و رسالت آن، از محور مقاومت اسلامی حمایت می‌کند و استراتژی تشکیل و تثبیت و تداوم آن را دنبال می‌کند (ساسانیان و شبیانی، ۲۰۱۹: ۴). نگاه سوم با واقعیت‌های جاری در محور مقاومت سازگاری بیشتری دارد چرا که انقلاب اسلامی توانست در سطح منطقه ابتدا قلمرو (ایدئولوژیکی) خود را گسترش دهد (پیشگاهی فرد، ۲۰۱۷: ۱۶) و پس از وحدت گفتمانی به ساخت نموده‌های عینی و میدانی اقدام نماید. با این وجود محور مقاومت در مسیر تطور خود مراحل همانند شکل‌گیری بر اساس مجموعه‌ای از اصول همسان، بازسازی و تثبیت در درون و بیرون؛ شکوفایی و رشد و دوران تغییر و تحول را پشت سر گذاشته و هم اکنون به بلندی و نهادینه‌سازی گفتمانی و عملیاتی رسیده است.

نظام معنایی شکل دهنده به مفصل‌بندی گفتمان محور مقاومت برگرفته از مفاهیم و مضامین قرآنی و روایی است که یک شبکه منسجم معنایی را به وجود آورده که عموماً در میان تمامی اعضای گفتمانی و عملیاتی محور مقاومت مشترک است که از جمله این مفاهیم پایه‌ای می‌توان به جهاد در راه خدا و شهادت طلبی، ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم، مقابله با استکبار، آمادگی همه جانبه برای دفاع، حرکت بر محور حق، وحدت‌گرایی و امت‌گرایی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و ... دانست، که همه این مفاهیم دارای پشتوانه‌های قرآنی است (اخوان و تاجیک، ۲۰۲۰: ۵۴-۴۹). این مفاهیم و اندیشه‌ها در جریان انقلاب اسلامی و گفتمان رهبران آن متجلی گردید و با بازتولید آن در سطح نظام داخلی با بسط گفتمان نواندیشی دینی، ایجاد اعتماد ملی، ارزش‌گذاری دینی، عدم تقلیدپذیری صرف و همچنین جهش قابل تأمل علمی توانسته است خود را نهادینه سازد. در سطح منطقه‌ای نیز این مفاهیم و مضامین توانسته از طریق بازتولید خودباوری اسلامی، بیدارسازی ملت مسلمان، احیای تمدن اسلامی و همچنین توجه به مؤلفه‌های همگرایانه‌ی اسلامی آثار خود را نشان داده است (شیرودی و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۸). در سطح بین‌المللی نیز از طریق ارائه راهبردهایی همانند تقابل با آموزه‌های فرهنگی غرب، اشاعه تفکرات ظلم ستیز و حمایت از جنبش‌های استقلال‌طلبانه و همچنین ترمیم و ارائه آموزه‌های تمدن‌ساز اسلام به‌عنوان سبک زندگی مورد توجه نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است (دهشیری، ۲۰۰۹: ۱۱۲). امروزه این اصول و مفاهیم و آثار هر یک از آنها که بدان پرداخته شد هم در اندیشه رهبران و شخصیت‌های مقاومت و هم در بدنه اجتماعی آن نهادینه شده و به طور کلی می‌توانیم شاخصه‌های زیر را به عنوان شاخصه‌های جریان مقاومت مطرح سازیم.



نمودار ۱: شاخصه‌های گفتمانی محور مقاومت (نگارندگان)

روندپژوهی شکل‌گیری جبهه عملیاتی محور مقاومت

پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران را باید نقطه عطف نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام به شمار آورد چرا که این انقلاب، نظام معنایی آن و آموزه‌های رهبران آن که در ساخت درونی انقلاب نقش اصلی را ایفا می‌کرد دارای پشتوانه قرآنی و روایی بود که در میان سایر جنبش‌ها و نهضت‌ها نیز زبان مشترک آنها محسوب می‌گردید. در عین حال محدود نبودن انقلاب در چارچوب جغرافیایی خاص و تأکید بر آموزه‌های جهانشمولی آن در بیانات رهبران در پذیرش مرجعیت فکری و گفتمانی هسته‌های مقاومت نقش خاصی ایفا کرده است (اخوان و تاجیک، ۲۰۲۰: ۵۰). چرا که دال‌های اصلی انقلاب همانند اسلام‌گرایی، جامعیت آموزه‌های آن، نفی سلطه و... و دال‌های شناوری همانند استقلال‌گرایی، حمایت از محرومین و مظلومین، وحدت امت اسلامی، عدالت‌خواهی و... مورد پذیرش و استقبال سایر جنبش‌ها و نهضت‌ها حتی ملت‌های اسلامی قرار گرفت (قاسمی، ۲۰۱۸: ۱۴-۱۰) و در صدور فرهنگی انقلاب اسلامی، الگو شدن اسلام سیاسی تشیع به‌عنوان ارائه دهنده نظام حکومتی، احیاء جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی و انقلابی و طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام دانست (حشمت‌زاده، ۲۰۰۵: ۲۲۷). احیای این آموزه‌ها و آثار آن در جریان پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی موجبات کارایی این گفتمان را فراهم کرد و در دهه‌های بعد توانست در قالب محور گفتمانی و عملیاتی مقاومت به شکل امروزی خود را تثبیت کند.

جنگ ۱۹۸۲ اسرائیل علیه لبنان

در سال ۱۹۸۲ اسرائیل حمله گسترده‌ای را به بیروت آغاز کرد و تلاش داشت تا بیروت و قسمت‌هایی از جنوب لبنان را اشغال کند؛ و به طور کلی رژیم اسرائیل دو هدف عمده روی کار آوردن یک رئیس جمهور مسیحی طرفدار اسرائیل و کاستن از قدرت سیاسی و نظامی سوریه در صحنه سیاسی لبنان و دیگری بیرون راندن نیروهای مقاومت فلسطینی از لبنان و نابودی اردوگاه‌های آنان بود که عمدتاً در دستیابی به هر دو هدف موفق بود (اسداللهی، ۲۰۰۰: ۵۳). امضای پیمان کپ دیوید در سال ۱۹۷۸ توسط انور سادات و خروج مصر از دعوای اعراب و اسرائیل، به قدرت رسیدن ریگان در آمریکا و حمایت بیشتر از اسرائیل و جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ فرصت مناسبی به وجود آورده بود تا اسرائیل به بهانه تأمین امنیت شهرک‌های یهودی شمال که گاه و بیگاه مورد حمله نیروهای مقاومت قرار می‌گرفت به لبنان حمله کند و به وجود فلسطینی‌ها خاتمه بدهد (هدایتی شهیدانی، ۲۰۲۰: ۹۱).

در ۶ ژوئن ۱۹۸۲ نیروهای اسرائیلی تحت عملیات صلح برای جلیله از سه محور به جنوب لبنان حمله کردند، توانستند با استفاده از سلاح‌های جدیدی همچون تانک مرکاوا و حملات گسترده از زمین، دریا و هوا خسارات زیادی را بر این محور وارد نمایند؛ گر چه نیروهای مقاومت سوریه هم توانستند با استفاده از سیستم ضد تانک خود خساراتی به ستون زرهی اسرائیل وارد کنند؛ اما در برابر این حجم از حملات اسرائیل حرف زیادی برای گفتن نبود (شریعت‌زاده، ۲۰۰۴: ۷). با وجود اخراج بیش از ۱۱ هزار تن از اعضای سازمان آزادی بخش فلسطین ساف از لبنان بر اساس موافقت‌نامه ۱۹۸۲ رژیم اسرائیل به توافقنامه متعهد نماند و بیروت را دو هفته بعد از خارج شدن نیروهای مقاومت با کمک نیروهای حزب کتابت و جریان‌های رادیکال مسیحی اشغال کرد؛ و ساکنان اردوگاه‌های فلسطینی در این منطقه که بیشتر افراد این اردوگاه را که زنان و کودکان تشکیل می‌داد کشتند و آن را تحت اشغال درآوردند (هدایتی شهیدانی، ۲۰۲۰: ۹۲). پذیرش توافقنامه ۱۹۸۲ باعث اختلاف در میان نیروهای مقاومت گردید و گروهی طرفدار مداخلات با اسرائیل و گروهی که تحت تأثیر اسلام شیعی و گفتمان انقلاب اسلامی قرار داشتند با تشکیل حزب‌الله لبنان در سال ۱۹۸۴ به مبارزه با رژیم اسرائیل پرداختند (هدایتی شهیدانی، ۲۰۲۰: ۹۳). به تدریج حزب‌الله لبنان توانست نقش پررنگ و قدرتمندی در صحنه رؤیایی با دشمن صهیونیستی داشته باشد و طی عملیات زیادی موفق به عقب‌نشینی اسرائیل از بیروت و همچنین آزادسازی جنوب لبنان و کل سرزمین‌های اشغال شده تا سال ۲۰۰۰ شد.

جنگ سی و سه روزه

در ژوئیه ۲۰۰۶، به دنبال ربوده شدن ۲ نظامی از افراد نیروهای اسرائیلی توسط نیروهای جنبش حزب‌الله لبنان، اسرائیل اقدام به تهاجم وسیع هوایی، دریایی، زمینی به لبنان کرد. در اصل ریشه این اقدام به سال ۲۰۰۰ که آمریکا و اسرائیل توافق کرده بودند که حزب‌الله لبنان را حذف کنند، برمی‌گشت و ربوده شدن این افراد بهانه‌ای برای تحقق آن بود (شفیعی و همکاران، ۲۰۰۹: ۵). در این جنگ اسرائیل پیشرفته‌ترین

تجهیزات از جمله بمب‌های خوشه‌ای و هوشمند، تانک مرکاوا را استفاده کرد که در طی قراردادی با آمریکا اقدام به خرید این سلاح‌ها کرده بود. در این جنگ، محور مقاومت ابتدا اجازه داد تا نیروهای و تانک‌های اسرائیلی وارد شهر و منطقه خیام شوند اما بعد از ورود آنها به طور برق‌آسایی و خیلی سریع موفق شد ۲۳ تانک از ۳۵ تانک آنها را منهدم نماید و همچنین ۱۴۰۰ موشک به سرزمین‌های شمالی اسرائیل شلیک کند که باعث تعطیلی بندر حیفا به‌عنوان بزرگ‌ترین بندر اسرائیل شد و همچنین حزب‌الله به منهدم کردن ناوچه فوق پیشرفته رژیم صهیونیستی دست زد، و این در حالی بود که محور مقاومت در طی این ۳۳ روز از هیچ گونه امکان ارتباطی بخوردار نبود. (پیزاد فر، ۲۰۰۷: ۱۶). شکست رژیم اسرائیل در این نبرد هم نقطه عطفی در تاریخ تحولات محور مقاومت به‌شمار می‌رود.

د. نبردهای ۲۲ روزه (۲۰۰۹-۲۰۰۸) ۵۱ روزه (۲۰۱۴) و ۱۱ روزه (۲۰۲۱) غزه

گرچه از ابتدای اشغالگری رژیم صهیونیستی نبردهای متعددی در بین گروه‌های فلسطینی شکل گرفته اما از زمان شکل‌گیری انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی چند نبرد تعیین‌کننده شکل گرفته که در معادلات بازدارندگی و تثبیت قدرت گروه‌های مقاومت در عرصه منطقه غرب آسیا و حتی اثرگذاری آن بر طرح‌های یک‌جانبه دولت‌های غربی که متضمن نادیده گرفتن حقوق فلسطینی‌ها بوده اثرگذار بوده است. در تمامی نبردهای ۲۲ روزه و ۵۱ روزه ۲۰۱۴ و ۱۱ روزه ۲۰۲۱ رژیم اسرائیل اهداف واقعی خود را همواره مبتنی بر نابودی حماس، نابودی کامل زیرساخت‌ها و ساختار سازمانی و تشکیلاتی حماس و کشتار یا دستگیری کادرها و اعضای این سازمان، اشغال غزه، احیای نیروی بازدارندگی بعد از شکست در جنوب لبنان و... (سبزیان موسی‌آبادی و مظفری، ۲۰۰۹: ۳۶-۴۰) قرار داده است؛ اما با وجود همه خسارات مادی وارده و کشتار کودکان و غیر نظامیان ساکن نوار غزه، به واسطه بهره‌مندی از گفتمان جهادی و ایثارگرایانه و این که تنها راه حل قضیه فلسطین مقاومت و ایستادگی است در طی هر یک از نبردها علاوه بر شکست اشغالگران و عدم تحقق اهداف آنها به تثبیت و تغییر موازنه قوا به نفع جریان مقاومت منجر شده است.

بیداری اسلامی و تحولات سوریه و عراق

هم‌راستا با تحولات بیداری اسلامی (قیام‌های عربی) که از سال ۲۰۱۱ از تونس شروع و به سایر کشورهای جهان عرب تسری یافت در کشورهای سوریه و عراق نیز شاهد اعتراضات مردمی و به دنبال آن شکل‌گیری گروه‌های سلفی-تکفیری و با بازیگری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که علاوه بر حمایت مادی، آموزش و تسلیح سازی آنها نیز صورت گرفته بود، بحران در این کشورها شکل گرفت. سوریه را از لحاظ اهمیت می‌توان از سال ۲۰۰۰ به بعد و روی کار آمدن بشار اسد و همکاری وی برای مقابله با تجاوزگری‌های اسرائیل به لبنان و تسلیح نوار غزه را ستون فقرات محور مقاومت به‌شمار آورد (جعفری‌فر و احرامی، ۲۰۱۸: ۷۸). هدف اصلی شکل‌دهی به بحران و تلاش برای ساقط نمودن دولت اسد، قطع یکی از بازوهای ارتباطی

قدرت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا بود (سولیوان^۱، ۲۰۱۴: ۲۵). این بحران را که می‌توان آن را بزرگ‌ترین منازعه ژئوپلیتیکی پس از پایان جنگ سرد دانست و اهمیت اثرگذاری آن به‌گونه‌ای است که شکل‌گیری آینده نظم منطقه خاورمیانه در چگونگی تعیین تکلیف و نحوه پایان آن است (باقری دولت‌آبادی، ۲۰۱۷: ۲۱۹). اهمیت بحران سوریه برای بازیگران رسمی و غیررسمی محور مقاومت به‌گونه‌ای بود که از همان ابتدای شکل‌گیری بحران به علت طراحی‌های سازمان یافته بیرونی، بازیگران محور مقاومت علی‌رغم اذعان به راه‌حل سیاسی به‌عنوان یگانه راه حل بحران، ملزم به حضور میدانی و عملیاتی برای پایان دادن به بحران شدند و به‌صورت مستقیم حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌های مقاومت در قالب‌های متفاوت در این بحران درگیر شدند (جعفری فر و احرامی، ۲۰۱۸: ۹۰-۸۶). این دخالت رابطه میان محور مقاومت را تقویت کرده و نشان دهنده افزایش مشارکت محور مقاومت و همگرایی پایدار در دستیابی به اهداف استراتژیک است. اوج این همگرایی در مهار بحران و کنترل آن به گونه‌ای سبب تقویت مواضع گفتمانی و عملیاتی محور مقاومت شده در آزادسازی گذرگاه راهبردی بوکمال (مرز بین عراق و سوریه) که با مشارکت گروه‌های مقاومت در چند کشور منطقه انجام شد تجلی پیدا کرد.

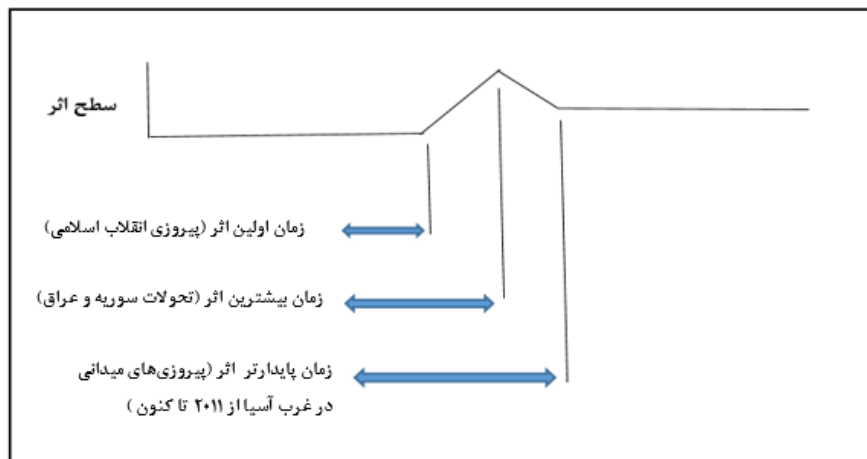
جنگ یمن

گرچه سابقه تجاوزات عربستان سعودی به شیعیان زیدی یمن به چندین دهه قبل بازمی‌گردد و تاکنون چندین مرحله درگیری بین دو کشور رخ داده است؛ اما دور تحولات جدید یمن که از سال ۲۰۱۵ آغاز شده است متفاوت با دوره‌های قبلی است. تمایز این دوره از تجاوزات عربستان به کشور یمن و درگیری با شیعیان زیدی در دو وجه قابل تأمل است. نکته اول این که در درگیری‌های قبل از سال ۲۰۱۵ شیعیان زیدی یمن عمدتاً به‌صورت غیر سازمان یافته به مقابله با تجاوزهای دولت عربستان سعودی می‌پرداختند و اغلب توسط دولت‌های مستقر در یمن نیز این تجاوزات برای تضعیف جایگاه آنها در معادلات سیاسی این کشور به رسمیت شناخته می‌شد و گاه ارتش این کشور نیز هم‌راستا با دولت متجاوز سعودی به سرکوب زیدی‌ها می‌پرداخت. در حالی که در دور جدید تحولات جنبش شیعیان یمن در تشکیلات منسجمی سازمان‌دهی شده و امروز به سلاح‌ها و فناوری‌های نوین در مقابله با اشغالگران سعودی دست یافته‌اند. وجوه دوم تمایز این دور از نبردها در ائتلاف‌سازی سعودی‌ها برای حمله به خاک یمن است. در ادوار قبلی جنگ بین شیعیان زیدی و سعودی‌ها هیچ یک از کشورهای منطقه عربستان را همراهی نمی‌کرد؛ در حالی که در جنگ شش ساله اخیر کشورهای مرتجع عرب منطقه در جهت تلاش برای تغییر نظم منطقه خاورمیانه به ضرر جریان مقاومت در کنار عربستان سعودی قرار گرفته‌اند.

هدف اصلی عربستان سعودی در طی نبردهای سالیان گذشته در یمن همواره ایجاد یک حکومت دست‌نشانده در یمن و حامی سیاست حفظ و بقاء بوده است، در حالی که حوثی‌ها یمن خواستار حفاظت از تفکرات مذهبی در مقابل اندیشه‌های سلفی و وهابیت و جلوگیری از هرگونه مداخله خارجی در یمن هستند

1. sulivan

(جعفری ولدانی، ۲۰۰۹: ۶۰). عربستان سعودی سه هدف عمده از تجاوز به یمن در قالب ائتلاف دنبال می‌کرد: اول بازگشت منصور هادی به قدرت، دوم مجبور کردن نیروهای انصار الله به عقب‌نشینی از صنعا و شهرهای شمالی یمن و سوم خلع سلاح حوثی‌ها (صادقی و لطفی، ۲۰۱۶: ۱۶). آن چه در صحنه عمل در تحولات یمن پس از گذشت بیش از شش سال هویدا شده است عدم تحقق این اهداف برای عربستان سعودی و تثبیت کنشگری انصارالله یمن به‌عنوان ضلع جدیدی از قدرت محور مقاومت در این منطقه راهبردی است. به گونه‌ای که بحران یمن و نحوه خروج از آن به نقطه پاشنه آشیل دولت عربستان سعودی تبدیل شده و چشم‌انداز و راه حل اطمینان بخشی برای عبور از این بحران برای آنها وجود ندارد. اگر چنانچه بخواهیم بر مبنای مدل تحلیل روندپژوهی آدام گوردن که در آن روندها بر اساس تحلیل‌های انجام شده به صورت یک نمودار ترسیم می‌گردند برای درک موقعیت محور مقاومت برای مخاطبان ترسیم کنیم می‌توانیم طبق نمودار شماره ۲ نشان دهیم.



نمودار ۲: برگرفته از مدل تحلیلی روندپژوهی آدام گوردن (۱۹۹۴)

روش‌شناسی پژوهش و شناسایی عدم قطعیت‌های آینده محور مقاومت

با توجه به این که در پژوهش پیش‌روی از رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی برای ترسیم سناریوهای آینده محور مقاومت استفاده شده است، برای شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی محور مقاومت در مرحله اول در قالب یک پرسش کیفی از تعداد پنج نفر از خبرگان دانشگاهی صاحب‌نظر خواسته شد تا به شناسایی عدم قطعیت‌های ممکن پیش‌روی محور مقاومت بپردازند پس از دریافت نظرات خبرگان در این خصوص و تجمیع آنها سعی گردید تا عدم قطعیت‌هایی که با همدیگر همپوشانی موضوعی و محتوایی داشته در همدیگر ادغام شوند و مجدداً به خبرگانی که به این سؤال پاسخ داده بودند ارجاع داده شد و از آنها خواسته شد تا با

اطلاع از نظرات سایر خبرگان مشارکت کننده تعداد ۱۰ عدم قطعیت بحرانی آینده محور مقاومت را انتخاب نمایند. عدم قطعیت‌های آینده محور مقاومت در قالب جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۱: عدم قطعیت‌های بحرانی آینده محور مقاومت

شکست عملیاتی جبهه مقاومت
انسجام جبهه مقاومت
دستیابی محور مقاومت به فناوری نظامی و افزایش توانایی نظامی آن
استمرار رهبری محور مقاومت توسط ایران
تعالی گفتمانی محور مقاومت
در پیش گرفتن رویکرد سازش در جبهه مقاومت
تضعیف قلمرو مقاومت
عدم مشارکت و حمایت ملت‌ها از محور مقاومت
تقابل نخبگان و متفکران نسبت به محور مقاومت
اتکا به منبع قدرت بیرونی در محور مقاومت

در مرحله بعد برای تهیه پرسشنامه‌ای مطابق پرسشنامه زیر، به تعداد ۱۰ نفر مشارکت کننده از خبرگان دانشگاهی ارسال گردید. در پرسشنامه طراحی شده بدین منظور، عدم قطعیت‌ها به صورت دوگانه و با توصیف دو حالت احتمالی از آینده مسئله مورد نظر تهیه شد (جدول شماره ۲). از خبرگان خواسته شده تا میزان موافقت خود را با وقوع هر یک از دو وضعیت مدنظر درباره آینده محور مقاومت اعلام نمایند.

جدول ۲: پرسشنامه خبرگانی تعیین عدم قطعیت‌های آینده محور مقاومت

میزان اهمیت هر متغیر و تغییرات آن در مسیر آینده بحران				با کدام حالت پرسش موافق هستید؟						پرسش
د	ج	ب	الف	د	ج	ب	الف	ب	الف	
				نمی‌دانم	نمی‌توانم نظر صریحی بدهم	تا حدی با حالت دوم موافقم	شدیداً با حالت دوم موافقم	تا حدی با حالت اول موافقم	شدیداً با حالت اول موافقم	
هیچ	کم	متوسط	زیاد							مثال: استحاله گفتمانی یا تعالی گفتمانی

پس از دریافت نظرات خبرگان در قالب پرسشنامه بر مبنای دو شاخص اجماع و اهمیت و تجزیه و تحلیل آن مطابق فرمول استاندارد موجود و رایج در خصوص شناسایی عدم قطعیت‌ها اقدام گردید. شاخص اجماع

نشان دهنده این است که خبرگان تا چه حد بر موضوع مورد بحث اجماع و توافق دارند. هر چه شاخص اجماع به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده این است که درباره آن موضوع تشتت آراء وجود دارد و اجماعی بر یکی از آن دو حالت حدی وجود ندارد و بنابراین می‌توان گفت که متغیر مذکور همراه با عدم قطعیت است. شاخص اهمیت هم نشان دهنده این است که خبرگان تا چه میزان بر اهمیت مسئله در تغییرات آینده توافق نظر دارند. در شاخص اهمیت برخلاف شاخص اجماع، هرچه عدد بزرگتر باشد نشان دهنده آن است که متغیر اثر بیشتری بر تحولات آینده در خصوص مسئله مورد نظر پژوهش دارد (شوارتز، ۲۰۰۹: ۲۱۵-۲۱۱). با در نظر گرفتن هر دو شاخص پراکندگی و اجماع در کنار هم برای به‌دست آوردن شاخص اجماع از فرمول زیر که در شناسایی عدم قطعیت‌ها کاربرد دارد، استفاده شده است.

$$\text{شاخص اجماع} = \frac{\text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه الف} \times ۲ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه ب} \times ۱ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه ج} \times (-۲) + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه د} \times (-۱)}{\text{تعداد کل پاسخ‌ها به گزینه‌های الف و ه}}$$

همچنین برای به‌دست آوردن شاخص میزان اهمیت هر متغیر و تغییرات آن در مسیر آینده محور مقاومت، پس از به‌دست آوردن نظرات خبرگانی، از فرمول زیر استفاده شده است.

$$\text{شاخص اهمیت} = \frac{\text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه زیاد} \times ۱۰۰ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه متوسط} \times ۵۰ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه کم} \times ۲۵ + \text{تعداد پاسخ‌ها به گزینه هیچ} \times ۰}{\text{تعداد کل پاسخ‌ها}}$$

بر این اساس نتایج حاصل از تحلیل شاخص اجماع و شاخص اهمیت گزاره‌های پرسشنامه در جدول شماره ۳ ارائه شده است. در جدول شماره ۳، میزان اجماع و اهمیت نظرات خبرگانی در خصوص عدم قطعیت‌های مؤثر بر جایگاه آینده محور مقاومت، نشان داده شده است.

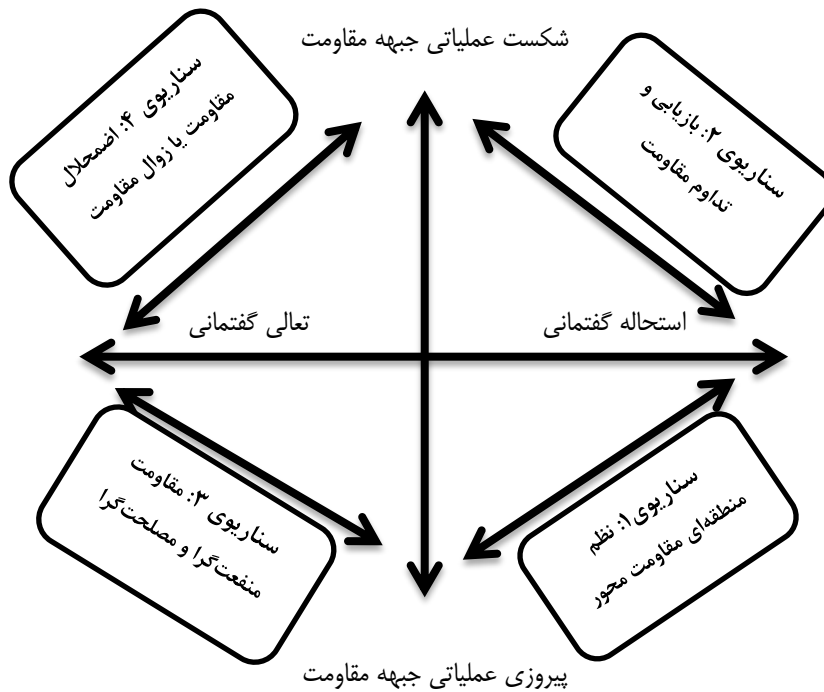
جدول ۳: تعیین عدم قطعیت‌ها با استفاده از شاخص اجماع و شاخص اهمیت

شاخص اهمیت	شاخص اجماع	عدم قطعیت‌های آینده محور مقاومت
۸۰	۰/۳	عدم قطعیت یک: پیروزی عملیاتی جبهه مقاومت یا شکست جبهه مقاومت
۸۲/۵	۰/۵	عدم قطعیت دوم: تعالی گفتمانی مقاومت یا استحاله گفتمانی جبهه مقاومت
۴۲/۵	۳/۸	عدم قطعیت سوم: انسجام جبهه مقاومت یا عدم انسجام جبهه مقاومت
۷۵	۳/۲	عدم قطعیت چهارم: تداوم مقاومت یا درپیش‌گرفتن رویکرد سازش در جبهه مقاومت
۷۵	۱/۲	عدم قطعیت پنجم: گسترش قلمرو مقاومت یا تضعیف قلمرو مقاومت

۷۰	۲/۲	عدم قطعیت ششم: مشارکت و حمایت ملت‌ها از مقاومت یا عدم مشارکت و حمایت ملت‌ها از محور مقاومت
۶۰	۱/۸	عدم قطعیت هفتم: پیوستن نخبگان و متفکران به محور مقاومت یا تقابل آنها با جبهه مقاومت
۶۵	۵/۲	عدم قطعیت هشتم: دستیابی محور مقاومت به فناوری نظامی و افزایش توان نظامی آن یا عدم دسترسی به فناوری نظامی
۶۳	۲/۲	عدم قطعیت نهم: استمرار رهبری مقاومت توسط ایران یا انتقال رهبری از ایران
۵۵	۳/۱	عدم قطعیت دهم: منبع قدرت داخلی مقاومت یا اتکا به منبع بیرونی قدرت در محور مقاومت

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ برای شناخت عدم قطعیت‌ها از طریق شاخص اجماع، همان گونه که مشاهده می‌شود برای عدم قطعیت اول (پیروزی عملیاتی جبهه مقاومت یا شکست جبهه مقاومت)، شاخص اجماع خبرگان برابر با $0/3$ و برای عدم قطعیت دوم (تعالی گفتمانی مقاومت یا استحاله گفتمانی جبهه مقاومت) شاخص اجماع برابر با $0/5$ بوده است و همچنین عدم قطعیت شماره پنجم (گسترش قلمرو مقاومت یا تضعیف آن)، از نظر خبرگان در شاخص اجماع برابر با $1/2$ بوده است.

با توجه به این که این سه عدم قطعیت از نظر خبرگان در شاخص اجماع حائز نزدیک‌ترین نمره به صفر بوده‌اند، لذا به‌عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی انتخاب شده توسط شاخص اجماع در نظر گرفته می‌شوند. همچنین برای شناخت عدم قطعیت‌ها از طریق شاخص اهمیت، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که عدم قطعیت‌های شماره ۱ و عدم قطعیت شماره ۲ مجدداً حائز بیشترین نمره از نظر این شاخص گردیده‌اند؛ اما عدم قطعیت شماره ۵ (گسترش قلمرو مقاومت یا تضعیف آن) از نظر شاخص اهمیت دارای فاصله معناداری با دو عدم قطعیت انتخاب شده توسط خبرگان است و بنابراین در انتخاب نهایی عدم قطعیت‌های بحرانی محور مقاومت، کنارگذاشته می‌شود. در نهایت با انتخاب دو عدم قطعیت یاد شده و تصور حالت مخالف آن، می‌توان برای نمایش، عدم قطعیت‌ها را به‌صورت شکل زیر نشان داد.



نمودار ۳: عدم قطعیت‌های پیش‌روی جبهه مقاومت و سناریوهای پیش‌رو

تبیین و تشریح عدم قطعیت‌های اصلی محور مقاومت

برای فراهم ساختن فضای سناریو و درک بهتر هریک از عدم قطعیت‌های پیش‌روی محور مقاومت که از نظر خبرگان شناسایی شده‌اند سعی شده است تا عدم قطعیت‌های برگزیده مورد تشریح قرار گیرند.

پیروزی عملیاتی محور مقاومت یا شکست عملیاتی آن

محور گفتمانی و عملیاتی مقاومت از زمان تأسیس، فراز و نشیب‌های متعددی در طول حیات سیاسی خود طی کرده است و بحران‌های متعددی در منطقه غرب آسیا را پشت سر گذرانده است. اولین نمود عینی حضور جبهه مقاومت در صحنه معادلات منطقه‌ای را می‌توان مقاومت فعالانه شیعیان لبنان در جنبش امل و بعدها حزب‌الله لبنان از ۱۹۸۲ به بعد در عرصه مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی دید که سرمنشأ گسترش حلقه گفتمانی و عملیاتی این محور به‌عنوان یک الگوی کارآمد در منطقه غرب آسیا شد. پس از آن نقاط عطفی در تاریخ چند دهه اخیر محور مقاومت وجود دارد که از آن جمله آنها می‌توان به جنگ سی و سه روزه حزب‌الله در سال ۲۰۰۷ با این رژیم و تحمیل شکست به آن، نبردهای ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۱۱ روزه جنبش مقاومت اسلامی حماس و گردان‌های وابسته به آن، مقابله با فتنه تکفیری سلفی در

سوریه و عراق از ۲۰۱۱ به بعد و همچنین مقاومت فعالانه جنبش انصارالله در مقابل تجاوزگری عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵ به بعد اشاره کرد. هر یک از این تحولات که محور مقاومت پشت سر گذاشته و یا در حال حاضر با آن مواجهه است در همگرایی و انسجام گفتمانی و عملیاتی محور مقاومت سهیم به‌سزایی داشته و در تعیین سمت و سوی جهت‌گیری‌های آینده محور مقاومت هم دارای اهمیت به‌سزایی است. بنابراین در تشریح این عدم قطعیت می‌توان گفت که تداوم روند پیروزی‌های محور مقاومت در عرصه عملیاتی در تحولات غرب آسیا و جهان اسلام و پرهیز از رویکرد انفعالی در جریان این تحولات می‌تواند یکی از پیشران‌های شکل دهنده به آینده این محور باشد و در صورتی که این روند بنا بر وجود هر عامل بازدارنده‌ای در میان عدم قطعیت‌هایی که به آنها اشاره شد، شکست بخورد و یا متوقف شود آینده کل جریان مقاومت را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. وقوع هر یک از این حالت‌های دوگانه «این» یا «آن» با سرنوشت نهایی محور مقاومت پیوند خورده است.

تعالی گفتمانی یا استحاله گفتمانی

برای تبیین این عدم قطعیت باید محور مقاومت را در دو بعد گفتمانی و جغرافیایی تشریح نمود. در تعریف گفتمانی از محور مقاومت، گفتمان را می‌توان نشانه‌هایی دانست که در یک فرآیند، مفصل‌بندی نظام معنایی خاصی را شکل می‌دهند. این نشانه‌ها را می‌توان در دو عرصه سلبی شامل (نفی استکبار و استبداد ستیزی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، نفی هژمونی و ...) و در عرصه ایجابی دربرگیرنده و طرح‌کننده مفاهیمی همانند (عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام‌خواهی، عزت‌طلبی، استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و ...) دانست. از منظر گفتمانی، ایدئولوژی پشتوانه مقاومت است و وقتی محور مقاومت از ایدئولوژی استفاده می‌کند قدرت مضاعفی پیدا کرده و به موازات بهره‌مندی از مؤلفه‌های قدرت سخت از وجوه نرم‌افزارانه قدرت (پشتوانه مردمی) نیز بهره‌مند خواهد شد (اکبری، ۲۰۰۹: ۱۵۴). آن‌جا که این مقاومت، بر اساس آموزه‌های اسلام شکل می‌گیرد، مقاومت اسلامی نام خواهد داشت، مقاومت اسلامی هم در دو معنای خاص و عام به‌کار می‌رود، در مفهوم عام و کلی، شامل هر نوع مقاومتی که بر اساس آموزه‌ها و احکام دین توسط یک مسلمان و یا گروهی از مسلمانان در مقابله با تهاجم دشمنان اسلام و مسلمانان در هر زمان و مکان شکل می‌گیرد. در مفهوم خاص که شامل عبارت محور مقاومت است، عبارت است از مقاومت کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد، بر اساس اسلام در برابر تهاجم نظام سلطه و متحدان آن که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و هم‌سو با این انقلاب، در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات اسرائیل تبلور یافت (هدایتی شهیدانی، ۲۰۲۰: ۴۰). مفاهیم شکل‌دهنده به گفتمان مقاومت برگرفته از هویت اسلام انقلابی و ارزش‌ها و باورهای اصیل اسلامی است که ریشه در باورها، اعتقادات و هنجارهای اسلامی دارد؛ بنابراین این مفاهیم شکل‌دهنده به مفصل‌بندی گفتمان مقاومت مفاهیمی نیستند که در حال حاضر و به‌صورت ناگهانی ایجاد شده باشند؛ بلکه انقلاب اسلامی ایران به بازآفرینی این مفاهیم و عینیت بخشیدن به آنها کمک به‌سزایی کرد و محور

مقاومت در مرحله اول یک زنجیره گفتمانی مشترک متصل به هم است و از آن جایی که ابتدای اندیشه مقاومت در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی و رهبران آن بر بیداری مسلمانان و آگاهی توده‌ها استوار بود در عرصه جغرافیایی و عملیاتی تفکر مقاومت به تدریج و در طی مواجهه با بحران‌های منطقه غرب آسیا نمود عینی یافته است.

نقطه مقابل تعالی گفتمانی محور مقاومت استحاله گفتمانی است. در این وضعیت گر چه جریان مقاومت همچنان وجود عینی دارد اما به علت دگردیسی در مبانی، اهداف، اصول و ارزش‌ها تغییر جهت داده و همانند محور رقیب خود (نظم غربی - عربی و عبری) و جاهد گفتمانی خود را از دست داده و از آن مفاهیم ارزشی و اصولی کمترین نشانه‌ای را می‌توان سراغ گرفت. در این صورت کنشگری عینی و بیرونی محور مقاومت به علت این دگردیسی در مبانی و اصول و فرآیند استحاله‌ای که به وقوع پیوسته است از حالت انقلابی و ارزشمندانه خارج شده است.

تشریح سناریوهای آینده محور مقاومت

سناریوی اول: نظم منطقه‌ای مقاومت محور

وقوع این سناریو از برهم‌کنش حالت دو عدم قطعیت تداوم پیروزی عملیاتی محور مقاومت و تعالی گفتمانی آن در آینده به دست آمده است. این سناریو که مطلوب محور مقاومت است در صورتی است که با وجود همه فراز و نشیب‌های تحولات میدانی، برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای مخالفین محور مقاومت و ایستادگی در برابر فشارها و تحریم‌های نظام سلطه محور مقاومت هم چنان بتواند انسجام و یکپارچگی خود را حفظ کرده و علاوه بر گسترش کمی و کیفی خود از لحاظ گفتمانی نیز خود را تعالی ببخشد. چرا که همگرایی گفتمانی پایه و اساس شکل‌گیری محور مقاومت در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام است، ایدئولوژی اسلام سیاسی و شاخصه‌های شکل دهنده به آن‌همه‌ی گروه‌های مقاومت را خارج از تفاوت‌ها و گرایش‌های مذهبی آنها گرد هم جمع کرده است. ظرفیت‌های تعالی گفتمانی؛ قدرت نرم گفتمان مقاومت از قبیل اعتقاد به جهاد، ایثار و شهادت، مقابله با ظلم و نفی آن و عدالت‌خواهی است؛ و فقه سیاسی که گفتمان مقاومت از آن بهره‌مند است یک فقه پویا، دارای ظرفیت‌های عظیم معنوی در بسیج توده‌ها و انسان‌سازی در میدان نبرد و مجاهدت‌های تعیین‌کننده است. مقاومت از زمان تأسیس تاکنون در طی بحران‌ها و نبردهای گفتمانی و سرزمینی که داشته است توانسته است خود را تثبیت کند و به یکی از حلقه‌های اصلی شکل دهنده به نظم منطقه‌ای خاورمیانه تبدیل شود. تغییر در نظم منطقه‌ای بدون در نظر گرفتن نقش محور مقاومت ممکن نیست. پیروزی‌های عملیاتی محور مقاومت در طی بحران‌های سال‌های ۲۰۰۰ به بعد (در نبردهای سی و سه روزه، مقابله با گروه‌های تکفیری در عراق، سوریه و...) که در پی تغییر نظم منطقه به نفع محور سلفی- تکفیری بودند اثبات‌کننده این مسئله است. گفتمان مقاومت و دستاوردهای میدانی آن در طی دو دهه آینده یک نیروی پیش‌برنده در شکل‌دهی به نظم منطقه خاورمیانه است. دور جدید تحولات در منطقه غرب آسیا

بیانگر آن است که با پدیدار شدن ضلع چهارم محور مقاومت در قالب انصارالله یمن گفتمان مقاومت از تنگه هرمز تا مدیترانه و تا باب‌المنذب گسترش یافته است.

سناریوی دوم: بازیابی و تداوم مقاومت

در صورتی که تعالی گفتمانی در محور مقاومت وجود داشته باشد و مبانی گفتمانی این محور تقویت گردد و اصل پیوستگی نسل‌های مختلف مقاومت و بازتولید قدرت آن حفظ شود، حتی در صورت شکست مقطعی میدانی مقاومت می‌تواند بار دیگر با اتکای به اصل زیربنایی خود بار دیگر تجدید حیات کند. بنای این سناریو مبتنی بر این اصل است که عدم قطعیت‌هایی همانند ضعف فناوری نظامی یا غفلت (غافلگیری)، عدم انسجام عملیاتی، واگرایی در اهداف، اتکا به منبع قدرت بیرونی و ... محور مقاومت در صحنه نبرد دچار شکست‌های عملیاتی به صورت مقطعی گردد، اما به دلیل پشتوانه گفتمانی آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌تواند خود را بازیابی کند. اصل تعالی گفتمانی محور مقاومت می‌تواند خلأها و نواقص این جبهه در زمان مناسب را برطرف کند. گفتمان جهادی و انقلابی مقاومت که عمدتاً بر بوم‌گرایی در همه زمینه‌ها متکی است در صورت شکست‌های مقطعی می‌تواند از آن پل پیروزی بسازد. در این سناریو چون شاکله گفتمانی محور مقاومت حفظ شده، حتی به‌رغم شکست‌های عملیاتی در مقاطع زمانی این جریان به علت نهادینگی به‌عنوان یک مکتب متعالی و دارای الگو و استعاره تاریخی تداوم خواهد یافت و با استفاده از نقطه قوت خود که همان تعالی گفتمانی است خود را بازیابی می‌کند.

سناریوی سوم: مقاومت منفعت‌گرا - مصلحت طلب

این سناریو از برهم‌کنش دو عدم قطعیت پیروزی عملیاتی اما با استحاله گفتمانی روی خواهد داد. از آن جایی که گفتمان مقاومت مقدم بر عینیت وجودی آن است در صورت استحاله گفتمانی، علاوه بر تضعیف مبانی اعتقادی آن، تشتت در محور مقاومت و انشقاق در آن به وجود خواهد آمد. گروه‌های مقاومت حول محور اسلام سیاسی و ارزش‌های برخاسته از آن گرد هم آمده‌اند و محور مقاومت بیشتر از آن که یک تشکیلات رسمی باشد یک مکتب اعتقادی است. در واقع پیشران اصلی محور مقاومت مبانی فکری و اعتقادی آن است و زنجیره اتصال همه گروه‌های محور مقاومت اسلام‌گرایی سیاسی و مبارزه با ظلم و استکبار بر مبانی گفتمان قرآنی آن است. اگر چنانچه محور مقاومت دچار استحاله گفتمانی شود علی‌رغم پیروزی‌هایی که ممکن است در میدان نبرد با اتکا به فناوری نظامی و قدرت دفاعی خود به دست آورد؛ اما در بلند مدت ممکن است به سازش‌کاری بر سر اصول و آرمان‌ها و تهی شدن از مبانی و گفتمان اصیل آن روی آورد. در این سناریو گر چه محور مقاومت توانسته است به پایداری خود در سیستم نظم منطقه‌ای و جهانی رسمیت بخشد؛ اما به دلیل استحاله گفتمانی و تغییر جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های آن به منفعت‌گرایی و مصلحت‌گرایی روی آورده و همانند سایر جنبش‌های جهان اسلام که روزگاری آرمان‌های خود را نبرد

دفاع از قدس شریف و مسئله فلسطین را مسئله اول خود می‌دانستند و امروزه با رژیم غاصب صهیونیستی به سازش کاری روی آورده‌اند، مبتلا گردد.

سناریو چهارم: اضمحلال محور مقاومت

تحقق این سناریو نیز از برهم‌کنش دو عدم قطعیت بحرانی پیش‌روی محور مقاومت در بدبینانه‌ترین حالت ممکن آن (استحاله گفتمانی-شکست عملیاتی آن) روی خواهد داد. استحاله گفتمانی محور مقاومت بدون تردید نقطه اصلی ضربه‌پذیری این جریان و تعالی گفتمانی آن نیروی اصلی و پیشران آینده تعیین‌کننده معادلات آن خواهد بود. بدون شک استحاله گفتمانی مقاومت مقدمه‌ای برای شکست‌های عملیاتی جبهه مقاومت در میدان نبرد خواهد بود. در صورتی که استحاله گفتمانی و شکست عملیاتی در جبهه مقاومت روی دهد، محور مقاومت دچار اضمحلال و زوال خواهد شد و تغییر نظم منطقه‌ای غرب آسیا بر اساس خواست محور عربی، تکفیری- غربی پیش خواهد رفت.

نتیجه‌گیری و ارائه راهبرد

با توجه به اهمیت این موضوع در پژوهش پیش‌روی برای جلوگیری از غافلگیری در مواجهه با عدم قطعیت‌های آینده که ممکن است سرنوشت محور مقاومت را دستخوش دگرگونی سازد بر اساس رویکرد سناریونویسی سناریوهای پیش‌روی محور مقاومت شناسایی گردیدند. پس از تشریح عدم قطعیت‌هایی که از نظر خبرگان دارای کمترین اهمیت و بیشترین اجماع بودند از برهم‌کنش هر یک از وضعیت‌های چهارگانه آن، چهار سناریو ترسیم گردید. هر یک از سناریوهای محور مقاومت در هر برهه زمانی با توجه به عدم قطعیت‌های آینده امکان و احتمال فعال‌سازی آنها وجود دارد؛ آن چه در این میان برای بازیگران محور مقاومت اهمیت دارد آمادگی مواجهه با هر کدام از این سناریوها و داشتن راهبردهای مختص به آنها برای عبور از شرایط پیش‌رو است. در تجویز راهبرد برای سناریوهای پیش‌رو در آینده‌پژوهی باید یک نکته کلیدی در نظر داشت و آن این که از مبانی اشتراکی هر سناریو که امکان وقوع آن را محتمل‌تر می‌سازد می‌بایست به راهبردهای پایدار برای مسئله با مسائل دست یافت. تأمل و دقت نظر در سناریوهای پیش‌روی محور مقاومت اثبات‌کننده آن است، گفتمان وجه اشتراک همه سناریوهای پیش‌روی محور مقاومت است و تحقق همه سناریوها به نحوی از انحاء بستگی به فراز و نشیب گفتمانی آن دارد. با این پیش‌فرض کلیدی می‌توان راهبردهای محور مقاومت برای تداوم و استمرار حیات خود در منطقه غرب آسیا راهبردهای زیر را در خصوص همه سناریوها ارائه کرد.

جدول ۴: راهبردهای محور مقاومت در مواجهه با سناریوهای پیش‌رو

توسعه و تعمیق گفتمانی مبتنی بر گفتمان اصیل اسلامی و قرآنی از طریق تعاملات پویا
توسعه کنش و عمل عقلانی در مواجهه با بحران‌ها برگرفته از گفتمان اصیل
حفظ اتحاد و انسجام درون جبهه‌ای در پیوستگی با نخبگان فکری و ملت‌ها
بهره‌گیری از ظرفیت‌های رسانه‌ای در تعامل با رسانه‌های نوین در جهت تعمیق گفتمانی و تبیین دستاوردها
کنشگری شبکه‌ای در جهت تثبیت الگوی بازدارندگی در مقابل تهدیدات
طرح گفتمان مقاومت فعالانه در نظام بین‌الملل به‌عنوان جایگزینی برای وضع موجود بین‌المللی
توسعه و تبیین مفاهیم دال مرکزی گفتمانی همانند عدالت‌خواهی، صلح‌گرایی، استقلال‌خواهی و ... در میان ملت‌ها

References

- Akbari, Hossein (2009). "Resistance Phenomenon, the Framework for Exercising Transnational Power" *Defense Policies*, Year 17, No. 66. (In Persian)
- Akhavan, Mohammad Javad; Tajik, Hadi (2020). "Study of the theoretical foundations of the nuclei of Islamic resistance in the discourse of the Islamic Revolution" *Quarterly Journal of the Islamic Revolution*, Year 10, No. 35. (In Persian)
- Alizadeh, Aziz; Vahidi Motlagh, Vahid; Nazemi, Amir (2008). *Scenario writing or programming based on scenarios*, Publications: Ati Negar. (In Persian)
- Asadollahi, Massoud (2000). "History of Hezbollah", Institute of Studies and Research of Noor Thinkers, Tehran. (In Persian)
- Bagheri Dolatabadi, Ali (2017). "Comparison of Obama and Trump policies in the face of the Syrian crisis", *Political-Economic Quarterly*, No. 308, pp. 231-212. (In Persian)
- Bell, wendel (2003). *Foundations of Futures Studies: Volume (1) History, Purposes, and Knowledge (Human Science for a New Era Series)*, 1st Edition, London: Routledge
- Dehshiri, Mohammad Reza (2009). *Conceptual and theoretical reflection of the Islamic Revolution of Iran in international relations*. Tehran, scientific and cultural publications. (In Persian)
- Enayatullah, Soheil (2009). *Question of the future: futures studies as knowledge and tools of organizational and social change*. Translated by Massoud Manzavi, Tehran, Center for Defense Science and Technology. (In Persian)
- Ghasemi, Behzad (2018). "Geopolitics of the axis of resistance and national security of the Islamic Republic of Iran based on the discourse of the Islamic Revolution". *Quarterly Journal of Security Horizons*, Volume 11, Number 38. (In Persian)
- Gordon, Adam (2013). *Understanding the Future*. Translated by Tayebbeh Vaezi, Tehran: Research Institute for Strategic Studies Publications.
- Hedayati Shahidani, Mehdi (2020). *Axis of Resistance*, Noor Institute of Thought Studies, Tehran. (In Persian)

- Heshmatzadeh, Mohammad Baqer (2005). "Introduction and a framework for studying the effects of the Islamic Revolution in Islamic countries" Research Letter, No. 12. (In Persian)
- Jafari Valdani, Mohammad (2009). "Saudi Arabia and the Dream of Dominating Yemen", Quarterly Journal of Political and International Approaches, No. 17, pp. 67-63. (In Persian)
- Jafarifar, Ehsan;Ihrami, Sajjad (2018). "Regional Impacts of Hezbollah and Israel Involvement in the Syrian Crisis", Quarterly Journal of Southwest Asia Studies, First Year No. 4. (In Persian)
- Katz, Brian (2018). Axis Rising: Iran's Evolving Regional Strategy And Non-State Partnerships In The Middle East,Center For Strategic & International Studies, Csis.
- Manzavi, Massoud (2010). *Scenario planning guide, published by Future Research Center of Technological and Defense Sciences*, Tehran. Center for Future Studies and Technology Science. (In Persian)
- Mobini, Dehkordi; Ali, Khaleghi; Arminonobri, Niloufar (2020). *Advanced analysis of the strategic environment* (uncertainty, complexity and intelligence). Tehran, University of Tehran Press. (In Persian)
- Naderi, Massoud; Tajik, Hadi (2018). "Strategic scenarios of relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the horizon of 2030 AD" Quarterly Journal of Defense Futurism, Third Year, No. 11. (In Persian)
- Nazemi Ardakani, Mehdi; Khaledian, Safar Ali (2018). "Cultural components of the discourse of Islamic resistance in the Islamic world." Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, seventh year, No. 2. (In Persian)
- Nowruzzi, Mohsen; Fayyazi, Davood ; Seif, Hamed (2021). "Future Studies of Factors Affecting the Axis of Resistance with Emphasis on the Unrest in Iraq and Lebanon" Quarterly Journal of Defense Strategy, Year 19, No. 74. (In Persian)
- Pirzad Far, Ali (2007). "Lebanon's Hezbollah Resistance Movement and the Zionist Regime's Hostile Defeat in the 33-Day War," Journal of Military Science and Technology, No. 5: 91-74. (In Persian)
- Pishgahi Fard, Zahra (2015). "Shiite Geopolitics and Iranian Territorialism in the Eastern Mediterranean", Quarterly Journal of Shiite Studies, No. 49: 29-7. (In Persian)
- Postinchi, Zohreh; Mottaqi, Ebrahim (2013). "The Political Language of Islamic Resistance in International Politics". Quarterly Journal of International Relations Studies, Volume 1, Number 1. (In Persian)
- Rezakhah, Alireza (2013). "Islamic Awakening and the Future of Resistance", Zamaneh Magazine, No. 32: 32-33. (In Persian)
- Sabzian, Musayabadi; Mozaffari, Alireza; Mozaffari, Hanieh (2009). "Goals and Consequences of the 22-Day War of the Zionist Regime against Gaza", Quarterly Journal of Political and International Research, First Year No. 2. (In Persian)
- Sadeghi, Seyed Shamsuddin; Lotfi, Kamran (2016). "Yemen Crisis", World Policy Quarterly, No. 1: 64 - 42. (In Persian)
- Sasanian, Raouf; Sheibani, Mohammad Reza (2019). "Study of Resistance Axis Developments", National Security Watch, No. 86: 104-101. (In Persian)
- Schwartz, Peter (2009). *The Art of Foresight* (Planning for the Future in a World of Uncertainty) Translated by Aziz Alizadeh, Tehran, Defense Science and Technology Research Center.

-
- Shafi'i, Nozar; Moradi, Ahmad (2009). "The Impact of the 33-Day War on the Regional Situation in Iran", *Quarterly Journal of Political and International Research*, No. 1: 64-41. (In Persian)
 - Shiroudi, Morteza; Shah Ali, Ahmad Reza; Jamshidi-Fard, Karam (2019). "Facing the Shiite Resistance Discourse and the Brotherhood Salafi Discourse on Traditional Security Arrangements in West Asia", *Quarterly Journal of International Relations Studies*, Volume 12, Number 48. (In Persian)
 - Sullivan, M (2014). *hezbollah in syria*. Institute for the Study of War. (2018). *WORLD MIGRATION*. International Organization for Migration (IOM).